

# المسؤولية الجزائية الناشئة عن الاستيلاء في اللقطة بمنهج مقارن للفقهاء الإسلاميين

محمد رسول آهنكران<sup>١</sup>

ميلاد حيدري<sup>٢</sup>

سيدامير دبيري<sup>٣</sup>

[تاريخ الاستلام: ١٤٠٢/٥/١٧؛ تاريخ القبول: ١٤٠٢/٦/٢١ - ش]

## الملخص

هذا البحث يتعلق بما إذا كان أتباع المذاهب الخمسة يتصرفون في المال القطة دون أن يبذلوا جهوداً لتحديد مالكة، فما هو الحكم من وجهة نظر القانون الجنائي الإيراني؟ وفي حال إذا كانت تعتبر جريمة، ما هي العواقب الجنائية المترتبة عليها؟ يتناول المقال ما يلي: أولاً: على الرغم من الاختلافات الفقهية فيما يتعلق بأحكام اللقطة بين المذاهب الخمسة، فإن حسب المادة ٥ من قانون الشريعة المدني المعتمد في عام ١٣٥٧ هـ. ش (١٩٣٨ م)، والمادة ٣ و ٧ و ٨ من قانون العقوبات الإسلامية المعتمد في عام ١٣٩٢ هـ. ش (٢٠١٣ م) جميع أتباع المذاهب الخمسة المقيمين في إيران سيكونون تابعين لقوانين إيران وستكون المحاكم القضائية الإيرانية مختصة بالنظر في الجرائم التي يرتكبونها. ثانياً: لا يمكن أن يُعتبر التصرف في المال المعثور عليه مثلاً على جرائم الخيانة في الأمانة، أو التصرف العدواني، أو الغصب والسرقعة المجرمة، بسبب أن جريمة الخيانة في الأمانة تشمل الودائع التعاقدية، وتتحقق جريمة التصرف العدواني والسرقعة المجرمة في الممتلكات غير العقارية، ولكن اللزوم في السرقعة هو الاختطاف وإخراج المال من ملكية المالك؛ في حين لا يجوز الاستيلاء على مال معثور عليه بنية سيئة؛ ولذلك إذا تم الحصول على مال من هذا النوع من الاستيلاء، فتتحقق جريمة الحصول على المال بطرق غير شرعية

**الكلمات المفتاحية:** القطة، مال معثور عليه، المسؤولية الجزائية، مذاهب الخمسة، الحصول على

مال غير شرعي.

١. استاذ جامعة طهران (كليات فارابي) (الكاتب المسؤول) ahangaran@ut.ac.ir

٢. طالب دكتوراه في القانون الجنائي والجنائيات، فرع قم، الجامعة الإسلامية الحرة، قم، إيران Mheidari4700@gmail.com

٣. مستوى الرابع في الحوزة العلمية في قم، إيران Amir.dabiri1400@yahoo.com

## مسئولیت کیفری ناشی از تصرف در لقطه با رویکرد تطبیقی بر فقه مذاهب پنج‌گانه

محمد رسول آهنگران<sup>۱</sup>

میلاذ حیدری<sup>۲</sup>

سیدامیر دبیری<sup>۳</sup>

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۵/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۲۱]

### چکیده

این پژوهش ناظر بر این است که اگر پیروان مذاهب پنج‌گانه در مال لقطه تصرف کنند بدون اینکه درصدد شناسایی صاحب آن برآیند، از دیدگاه حقوق کیفری ایران چه حکمی دارد؟ در صورت جرم بودن، چه عنوان مجرمانه‌ای بر آن مترتب است؟ برآیند مقاله عبارت است از: اول: با وجود اختلاف‌های فقهی در رابطه با احکام لقطه بین مذاهب پنج‌گانه، طبق ماده ۵ قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ و ماده ۳، ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، همه تابعان مذاهب پنج‌گانه ساکن ایران، تابع قوانین ایران خواهند بود و محاکم قضایی ایران صالح به رسیدگی در خصوص جرایم ارتكابی آنان است. دوم: تصرف در مال پیداشده، نمی‌تواند مصداق جرایم خیانت در امانت، تصرف عدوانی، غصب مجرمانه و سرقت قرار گیرد؛ به این دلیل که جرم خیانت در امانت، شامل امانت‌های قراردادی می‌شود و جرم تصرف عدوانی و غصب مجرمانه در اموال غیرمنقول صدق می‌کند و لازمه سرقت، ربودن و خارج کردن مال از حیازت مالک است؛ ولی چون برداشتن مال پیداشده همراه با سوء نیت جایز نیست؛ از این رو اگر از مسیر چنین التقاطی، مالی حاصل شود، جرم تحصیل مال از طریق نامشروع به وقوع می‌پیوندد.

**کلیدواژه‌ها:** لقطه، مال پیداشده، مسئولیت کیفری، مذاهب پنج‌گانه، تحصیل مال نامشروع.

۱. استاد دانشگاه تهران (دانشکده‌گان فارابی) (نویسنده مسئول) ahangaran@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. Mheidari4700@gmail.com

۳. سطح چهار حوزه علمیه قم، ایران. Amir.dabiri1400@yahoo.com

## مقدمه

پیدا کردن اموال گمشده برای هر فردی در زندگی خود امکان وقوع دارد؛ بدین ترتیب که مالی را بیابد، اما شناختی از مالک آن نداشته باشد که مال را به او بازگرداند؛ از این رو باور داشته باشد به صرف عدم شناخت، می‌توان در آن تصرف کرد؛ درحالی که مال پیدا شده که از آن در فقه امامیه و اهل سنت با عنوان لقطه یاد می‌شود، در بردارنده احکام ویژه‌ای است؛ به گونه‌ای که بابتی از ابواب فقه را به خود اختصاص داده است و لقطه را از اموال مجهول‌المالک، مباحات، دفینه و دیگر اموال متمایز نموده است. قانون مدنی نیز به تبع فقه، به بیان احکام مال پیدا شده پرداخته است؛ اما لقطه را به گونه شفاف تعریف نکرده است و عنوان مال پیدا شده را جایگزین عنوان لقطه کرده است و احکام آن را در مواد ۱۶۲ تا ۱۶۹ قانون مدنی بررسی کرده است.

با توجه به بیان مفهوم لقطه و احکام آن، مسئله این پژوهش عبارت از این موارد است:

اول: مواردی که شارع یا قانون، اذن تصرف (اعم از برداشتن، تملک، صدقه، تخریب، اتلاف) در مال پیدا شده به ارزش یک درهم و بیشتر را نداده است؛ اما یابنده در مال تصرف کند، آیا از لحاظ حقوق کیفری ایران مرتکب جرمی شده است؛ چه عنوان مجرمانه‌ای؟

دوم: در مواردی از احکام لقطه که فقه اهل سنت متفاوت از مقرره‌های قانون مدنی است، اگر پیروان فقه اهل سنت در مال لقطه‌ای تصرف کند که قانون اذن تصرف نمی‌دهد، آیا قوانین در خصوص آنها نیز جاری است؟

برای روشن شدن پاسخ پرسش‌های فوق، با بهره‌گیری از مآخذ کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی به مطالعه ارکان و شرایط لازم برای تحقق جرم‌های خیانت در امانت، تصرف عدوانی، غصب، سرقت و تحصیل مال از طریق نامشروع می‌پردازیم تا روشن شود تصرف در لقطه، مصداق کدام جرم تصریح شده در قوانین کیفری ایران قرار می‌گیرد.

## ۱. احکام فقهی لقطه

لازمه بررسی شناخت مسئولیت کیفری برای متصرف در لقطه، دانستن احکام لقطه در فقه است. از آنجاکه قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی برگرفته از فقه امامیه است، ضروری است ابتدا احکام لقطه در فقه امامیه تبیین شود و بعد با احکام لقطه در فقه اهل سنت مقایسه گردد.

### ۱-۱. احکام لقطه در فقه امامیه

فقیهان امامیه در کتاب‌های فقهی به تعریف لقطه و وجه تمایز آن از دیگر اموال پرداخته‌اند که عبارت است از: «لقطه، مالی است (غیرحیوان) که گمشده و مالک مال، ناشناخته است و این مال تحت تسلط و تصرف کسی نیست» (نجفی، ۱۳۹۳: ص ۳۷۱ - ۴۶۹؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۹: ص ۲۳۸؛ خویی، ۱۴۱۰: ص ۱۳۶). تمایز لقطه با اموال دیگر بیان شده است که تفاوت آن با مال مجهول‌المالک در «گم شدن» است؛ بدین بیان مالی که مالکش نزد ما نامعلوم می‌باشد، مجهول‌المالک است، بدون اینکه صاحبش آن را گم کرده باشد (زارعی سبزواری، ۱۳۷۵: ص ۲۴۸). وجه فارق لقطه با مباحات در «مالک داشتن» است؛ بدین شرح که مباحات مالی است که از اصل مالک نداشته باشد، بر خلاف لقطه (طاهری، ۱۴۱۸: ص ۳۲۹). تفاوت مهم لقطه با اموال دیگر در احکام آنهاست که با توجه به روایات وارد شده (حر عاملی، ۱۴۲۱: ج ۲، ص ۳۴۸ و ۳۴۹؛ حر عاملی، ۱۴۲۱: ج ۱۸، ص ۳۵۲)، شارع مقدس برداشتن مال پیدا شده را مکروه می‌داند (حائری، ۱۳۸۷: ص ۴۸). اگر شخص یابنده، مال را بردارد و قیمت آن کمتر از یک درهم ۲ باشد، می‌تواند بدون اعلام و تعریف ۳ آن را تملک و هرگونه تصرفی نماید (یزدی، ۱۳۷۶: ص ۴۴۲؛ ماده ۱۶۲ قانون مدنی). در حالتی که ارزش مال یک درهم و

بیشتر باشد (فرض مسئله تحقیق)، نیت از برداشتن مال، باید حفظ و اعلام آن برای صاحب مال باشد. در غیر این حالت، برداشتن مال پیدا شده جایز نیست. اگر یابنده، مال را به هر نیتی بردارد، واجب است مال را به مدت یک سال اعلام کند و در جستجوی صاحب آن برآید؛ اگر در این مدت صاحب مال پیدا نشد، در مال پیدا شده در غیرمکه مخیر است بین «تملک»، «صدقه» و «حفظ مال» (نجفی، ۱۴۲۱: ج ۳۸، ص ۲۹۵؛ ماده ۱۶۳ قانون مدنی)؛ اما در مال پیدا شده در مکه، «تملک» جایز نیست و یابنده نمی‌تواند هرگونه تصرفی نماید، بلکه بین «صدقه‌دادن» و «حفظ مال» مخیر است (جمعی از محققین، ۱۳۹۲: ص ۲۸۰؛ صمیری، ۱۴۲۰: ص ۱۵۶).

## ۱-۲. اشتراک‌ها و تفاوت‌های احکام لقطه در مذاهب پنج‌گانه

احکام لقطه در فقه مذاهب پنج‌گانه، دارای اشتراک‌ها و تفاوت‌هایی به شرح ذیل می‌باشد.

### ۱-۲-۱. اشتراک‌ها

شیعه و اهل سنت در خصوص احکام لقطه، اشتراک‌هایی با هم دارند که به شرح زیر می‌باشد:

#### ۱-۲-۱-۱. برداشتن لقطه

برداشتن لقطه در غیرحرم در فقه امامیه و نیز فقه اهل سنت مکروه است؛ مستند این قول، ابن عباس و ابن عمر و جابر بن زید و الربیع بن خثیم و مالک و احمد است که همه آنها روایت کرده‌اند از پیامبر (ص) که ایشان فرمودند: «لَا يَأْوِي الضَّالَّةَ الاضَال» (ابن داوود، ۱۳۱۳: ص ۱۷۲).

### ۲-۱-۲. اعلام و تعریف

همه مذاهب پنج‌گانه در اصل تعریف مال لقطه اتفاق نظر دارند و اختلاف در مدت تعریف لقطه است که به آن خواهیم پرداخت (سبزواری، ۱۴۲۱: ص ۳۷۶).

### ۳-۱-۲-۱. ضمان لقطه

مال پیدا شده، امانت به شمار می‌آید. اگر یابنده این نیت را داشته باشد که مال را حفظ کند یا به صاحبش تحویل دهد، احکام امانت بر آن جاری می‌شود؛ اما اگر قصد برگرداندن مال به مالکش را نداشته باشد، ضامن است. این حکم فقهی مقبول حنفی، مالکی، حنابله، شافعی و شیعه است (سرخسی، [بی‌تا]: ج ۱۱، ص ۱۴؛ ابن قدامه، [بی‌تا]: ج ۵، ص ۶۴۹؛ البهوتی، ۱۴۱۸: ج ۲، ص ۴۲۹؛ الدسوقی، [بی‌تا]: ج ۳، ص ۱۲۱).

### ۲-۲-۲. اختلافات

در بخش‌هایی از احکام لقطه، تفاوت‌هایی بین مذاهب پنج‌گانه وجود دارد که به شرح زیر است.

### ۱-۲-۲-۱. برداشتن لقطه

۱. حنفی‌ها: برداشتن لقطه سه حالت دارد؛ الف) مستحب؛ در صورتی که در معرض تلف باشد. ب) مباح اگر در معرض تلف نباشد، مخیر است بردارد یا نه. ج) حرام؛ در صورتی که یابنده قصد تملک کند و نخواهد آن را به صاحبش دهد (سرخسی، [بی‌تا]: ج ۱۱، ص ۲۰).

۲. شافعی‌ها: در حالتی که یابنده امانت دار باشد، برداشتن مال مستحب است و واجب نیست، هر چند خوف از تلف مال باشد (الدسوقی، [بی‌تا]: ج ۳، ص ۲۲۳).

۳. مالکی‌ها: برداشتن با دو شرط واجب است: ۱. آگاهی به اینکه خیانت نکند؛ ۲. خوف از تلف و نابودی مال داشته باشد. در غیر این حالت برداشتن آن کراهت دارد (قرطبی، ۱۹۶۴: ج ۲، ص ۲۵۶).

۴. حنبلی‌ها: برداشتن لقطه با وجود دو شرط مباح است: الف) اطمینان ملتقط به امانت نفس خود؛ ب) توانایی بر تعریف؛ در غیر این حالت برداشتن جایز نیست (مرداوی، ۱۴۱۸: ج ۶، ص ۴۰۵).

۵. شیعه: در روایات بسیاری از برداشتن آن نهی شده است تا اینکه صاحبش بیاید و بردارد (سبزواری، ۱۴۲۱: ص ۳۵۹).

#### ۱-۲-۲-۱-۱. برداشتن لقطه حرم

شافعیه در این باره قائل اند اگر لقطه حرم را برداشت، برای تعریف یا حفظ آن برای صاحبش جایز است، وگرنه برداشتن و تملک آن جایز نیست (الدسوقی، [بی تا]: ج ۳، ص ۱۵۳). ابوحنیفه می‌گوید: حکم لقطه حرم مانند لقطه غیر حرم است (سرخسی، [بی تا]: ج ۱۱، ص ۸۹).

اجماع امامیه و آنچه از پیامبر (ص) که درباره لقطه مکه روایت شده است که فرمود: «لاینفر صیدها ولا یعضد شجرها ولا یختلی خلاوها ولا یحل لقطها الا لمنشد یعنی لمعرف» (سبزواری، ۱۴۲۱: ص ۳۷۸) و نظر شیعه این است که کراهت دارد؛ به دلیل اصل و اینکه حفظ می‌کند آن را برای مالکش؛ پس تملک آن در هیچ حالتی جایز نیست (حلی، ۱۴۱۴: ج ۸، ص ۴۴۲). اگر شخصی لقطه را بردارد، بعد به همان مکانی برگرداند که برداشته است، از نظر شیعه و شافعیه جایز نیست و ضامن است؛ ولی از نظر ابوحنیفه ضامن نیست (طوسی، ۱۴۰۸: ج ۳، ص ۵۸۴).

### ۳-۱. مدت تعریف

زمان شناساندن برای شیء پیدا شده همان اصل (تعریف یک سال می باشد) است و این نظر شافعیه، حنابله، حنفی، مالکی و شیعه است و همه با آن موافق هستند؛ البته استثنائاتی نیز دارد:

۱. شافعیه گفته اند تعریف مال در مدت زمانی که حدس زده مالک پیدا شود و بعد آن میسر نمی شود، معمولاً طولانی نمی شود (الدسوقی، [بی تا]: ج ۳، ص ۲۲۳).
  ۲. حنفی ها قائل اند اگر شیء پیدا شده صد درهم باشد، یک سال تعریف می شود؛ ولی اگر ده درهم باشد، یک ماه و اگر ارزش آن سه درهم باشد، در روز جمعه آن را تعریف می کند (سرخسی، [بی تا]: ج ۱۱، ص ۲۰).
  ۳. مالکی ها معتقدند تعریف برای دینار تعریف در روز صورت می گیرد (القرطبی الندلسی، ۱۹۹۵: ج ۲، ص ۲۵۶).
  ۴. حنابله قائل اند تعریف باید روز باشد و آن هم در همان روزی که شیء پیدا شده است؛ در هفته اول روزی یک بار تا یک ماه بعد ماهی یک مرتبه تا پایان یک سال. شافعیه معتقدند در هفته اول در طول روز، روزی دو مرتبه تا آخر هفته و هفته بعد روزی یک مرتبه و بعد ماهی یک مرتبه تا پایان سال (مرداوی، ۱۴۱۸: ج ۶، ص ۴۰۵).
- حنفی ها و شافعی ها تعریف در تمام روز و در اماکنی است که مردم تجمع می کنند، مثل بازارها و درهای مسجد (الدسوقی، [بی تا]: ج ۳، ص ۲۲۳؛ سرخسی، [بی تا]: ج ۱۱، ص ۲۰).

### ۳. وضعیت حقوقی پیروان مذاهب چهارگانه اهل سنت در قوانین ایران

#### ۳-۱. قانون اساسی

اصل دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «دین رسمی ایران اسلام و مذهب



جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می‌باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعای مربوط به آن در دادگاه‌ها رسمیت دارند و در هر منطقه‌ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب».

بر اساس اصل ۱۲ آن قانون، پیروان مذاهب حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه طبق فقه خودشان آزادند و دعوی آنها در دادگاه‌ها رسمیت دارد.

### ۲-۳. قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم مصوب ۱۳۱۲

ماده واحده: نسبت به احوال شخصیه و حقوق ارثیه و وصیت ایرانیان غیرشیعه که مذهب آنان به رسمیت شناخته شده، محاکم باید قواعد و عادات مسلمة متداوله در مذهب آنان را جز در مواردی که مقررات قانون راجع به انتظامات عمومی باشد، به طریق ذیل رعایت نمایند:

۱. در مسائل مربوط به نکاح و طلاق، عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که شوهر پیرو آن است.

۲. در مسائل مربوط به ارث و وصیت، عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهب متوفی.

۳. در مسائل مربوط به فرزندخواندگی، عادات و قواعد مسلمة متداوله در مذهبی که

پدرخوانده یا مادرخوانده پیرو آن است.

### ۳-۳. قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷

ماده ۵: کلیه سکنه ایران اعم از اتباع خارجه و داخله مطیع قوانین ایران خواهند بود، مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد.

### ۳-۴. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

ماده ۳: قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران (اعم از زمینی، دریایی و هوایی) مرتکب جرم شوند، اعمال می‌گردد، مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد.

ماده ۷: علاوه بر موارد مذکور در مواد فوق، هر یک از اتباع ایران در خارج از کشور مرتکب جرمی شود، در صورتی که در ایران یافت یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود مشروط بر اینکه:

الف) رفتار ارتكابی به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران جرم باشد.

ب) در صورتی که جرم ارتكابی از جرایم موجب تعزیر باشد، متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.

پ) طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.

ماده ۸. هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرایم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر اینکه:

الف) متهم در جرایم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد.

ب) رفتار ارتكابی در جرایم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد.

با توجه به قوانین ذکرشده، مذاهب چهارگانه اهل سنت، در خصوص احوالات شخصیه و تربیت و مراسمات دینی تابع فقه خود هستند؛ بنابراین ملزم به تبعیت از قوانین مصوب در رابطه با احوالات شخصیه مانند طلاق، نکاح، وصیت و مسائل فرزندخواندگی، در قانون مدنی و دیگر قوانین نخواهند بود. اما در دیگر قوانین و مقررات مدنی و کیفری با توجه به مفهوم مخالف از اصل ۱۲ قانون اساسی و ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم و منطوق ماده ۵ قانون مدنی و مواد ۳ و ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی، کلیه سکنه ایران اعم از اتباع داخلی و خارجی، اعم از هر دین و مذهبی یا هر ایرانی مقیم در ایران یا خارج از کشور، ملزم اند از قوانین ایران تبعیت نمایند و محاکم ایران در خصوص رسیدگی به دعاوی و جرایم ارتكابی آنها صالح خواهد بود؛ از این رو با وجود اختلاف‌های فقهی موجود در خصوص احکام لقطه بین مذاهب پنج‌گانه، تبعیت از قوانین مربوط به لقطه که مستنبط از فقه امامیه است، برای دیگر پیروان مذاهب اهل سنت نیز لازم‌الاجرا خواهد بود. بنابراین اگر فردی از اهل تسنن تصرفی در لقطه نماید که بر اساس فقه متبوع مشروع است؛ اما از لحاظ قانونی تصرف نامشروع محسوب می‌شود، مسئولیت مدنی خواهد داشت؛ ولی در خصوص مسئولیت کیفری، باید ارکان عناوین مجرمانه طرح شده در قوانین کیفری را بررسی کرد که آیا تصرف غیرقانونی در لقطه، جرم به شمار می‌آید و با کدام یک از عناوین مجرمانه علیه اموال، تطبیق شدنی است؟

#### ۴. عناوین مجرمانه قابل تطبیق با تصرف در لقطه

##### ۴-۱. جرم خیانت در امانت

خیانت در امانت در ماده ۶۷۴ «قانون تعزیرات»، مصوب سال ۱۳۷۵ به شرح ذیل جرم‌انگاری شده است: «چنانچه نوشته‌هایی مانند چک، سفته، قبض و همانند آن به عنوان امانت و اجاره یا هر کار با مزد یا بی‌مزد به شخص داده شده و قرار بر این بوده که اشیاء ذکر شده پس گرفته شود یا به مصرف شخصی برسد و اشیاء نزد آن شخص به ضرر مالکان آنها به کار رود یا از بین رود یا گم شود، به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می‌شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۵: ص ۱۴۹). البته قانون‌گذار وجود شرایط مختلفی را برای جرم شناختن رفتاری که امین درباره مال امانتی مرتکب می‌شود، لازم دانسته است. در ادامه به مهم‌ترین شرایط اشاره می‌کنیم.

##### ۴-۱-۱. واگذار شدن مال به امانت‌دار در واقع از سه جزء تشکیل شده است که مهم‌ترین آن برای جرم خیانت در امانت، «سپردن» است.

مالک یا متصرف قانونی، مال موضوع جرم را به امین دهد؛ در غیر این حالت اگر شخصی مالی را به دست آورده باشد، ارتکاب خیانت در امانت وی قابل تصور نخواهد بود. به عبارت دیگر، در جرم خیانت در امانت، همه چیز به این امر بستگی دارد که مالک یا متصرف قانونی، آن را بر اساس رابطه حقوقی امانت‌آور به امین سپرده باشد (ولیدی، ۱۳۷۳: ص ۱۷۰). برای تبیین رابطه حقوقی امانت‌آور مورد نظر قانون‌گذار در جرم مذکور، لازم است منشأ این رابطه بررسی قرار شود.

##### ۴-۱-۱-۱. منشأ روابط حقوقی امانت‌آور

ممکن است قانون، قرارداد یا عرف و عادت در حقوق مدنی منشأ روابط حقوقی امانت‌آور باشد.

#### ۱-۱-۱-۴. رابطه امانی قانونی

در مواردی ممکن است قانون‌گذار اشخاصی را امین بداند، بدون اینکه قراردادی بین مالک و امین وجود داشته باشد (گلدوزیان، ۱۳۸۵: ص ۴۱۴). چنانچه به موجب ماده ۱۶۳ ق.م.ا.ی. باینده مال پیدا شده، در صورت نیت حفظ مال امین به شمار می‌آید و مال پیدا شده در دست یابنده، امانتی است قانونی و شرعی.

بدیهی است اگر قائل شویم رابطه حقوقی امانت‌آور مورد نظر در جرم خیانت در امانت شامل امانت قانونی هم می‌شود، تصرف و تصاحب در مال پیدا شده، بدون معرفی یا قبل از انقضای مدت معرفی، مشمول عنوان مجرمانه مذکور قرار می‌گیرد. استدلال طرفداران این نظر آن است که لازم نیست قرارداد صریح و کتبی بین امین و امانت‌گذار باشد، بلکه حتی اگر مالی به حکم قانون برای حفظ و نگهداری یا به عنوان وکالت به دیگری سپرده شده باشد و امین در آن تصرف کند، خائن دانسته می‌شود؛ افزون بر حکم مستقیم قانون‌گذار، ممکن است افرادی به حکم غیرمستقیم و بانصب از طرف مقام قضایی امین تلقی شوند (شامبیاتی، ۱۳۸۴: ص ۱۸۸).

#### ۱-۱-۱-۲. رابطه امانی عرفی

ممکن است از نظر حقوق مدنی، عرف و عادت منشأ رابطه حقوقی امانت‌آور باشد؛ یعنی اگر شخصی به سبب عرف و عادت امین محسوب شود و برعکس عرف در مال امانتی تصرف کند، خائن می‌شود؛ پس برای صحیح بودن عنوان خیانت در امانت نیاز نیست به گونه قراردادی مال به امین سپرده شود؛ ولی کافی است مال تحت استیلا امین درآمده باشد یا به شیوه‌ای در اختیار او قرار گرفته باشد (شامبیاتی، ۱۳۸۴: ص ۱۸۸)؛ از این رو شعبه دوم دیوان عالی کشور در تاریخ ۱۳۲۲/۷/۱۱ رأیی به شماره ۹۶ این‌گونه صادر

کرده است: «امین بودن شخصی به مالی یا بر اساس عرف و عادت می باشد یا بر اساس سپرده شدن مال»؛ پس زمانی که در انبار مشترک بین دو فرد، یکی مال اختصاصی داشته باشد و دیگری که کلید انباری نزد اوست، مال اختصاصی شریک خود را تلف نماید، در امانت پیش گفته خائن به شمار می رود؛ زیرا فرد مذکور در عرف امین دانسته می شود؛ حتی اگر به او مالی سپرده نشده باشد. با این استدلال، افزون بر سپرده شدن قانونی، سپرده شدن عرفی هم می تواند ملاک تحقق رابطه امانی باشد. در این حالت، عرف حکم می کند مال در دست امین به طور امانی قرار داده شده است و کسی که مال نزد اوست، وظیفی را دارد که یک نفر امین بر اساس قرارداد امانت آور دارای آن می گردد.

### ۳-۱-۱-۴. رابطه امانی قراردادی

از انواع امانت غیرارادی و قهری، روابط امانی قانونی و عرفی است که امین و مالک بدون دخالت اراده آنها طبق عرف یادشده مقام قضایی یا قانون بینشان ایجاد می گردد. با وجود آرای گوناگون دیوان عالی کشور که امانت را به اقسام مختلف آن گسترش داده است، رابطه امانی قراردادی که امانت هم به طور عام ظهور در آن دارد، مبتنی بر خواست و اراده طرفین است و زمانی است که مالک مالی را تحت شرایط معینی به دیگری می سپارد و اخص این رابطه، «ودیعہ» موضوع مواد ۶۰۷ الی ۶۳۴ قانون مدنی است (ولیدی، ۱۳۷۳: ص ۱۲۱).

اینکه آیا منظور از رابطه حقوقی امانت آور جرم خیانت در امانت، همه انواع امانت اعم از امانت قراردادی و عرفی و قانونی است یا نه، مسئله قابل بحثی است.

با وجود آرای گوناگون دیوان عالی کشور که امانت را به انواع گوناگون گسترش داده است و با توجه به دو عنصر قرار استرداد و سپرده بودن یا به مصرف مشخص رسیدن، به نظر می رسد نظر قانون گذار در ماده ۶۷۴ ق.م، تنها رابطه امانی قراردادی است و بیان قانون گذار

ظهوری در رابطه امانی قانونی و عرفی ندارد. این نظر از عبارت «هرگاه مالی از طریق یکی از عقود امانی به کسی داده شود...» نیز استنباط می‌شود؛ چراکه امانت ناشی از عرف و قانون نمی‌تواند واجد شرط «سپرده شده بودن» باشد؛ در نتیجه تصرف یا تلف اموال ناشی از این‌گونه روابط امانی، مشمول ماده ۶۷۴ ق.م. قرار نمی‌گیرد (ولیدی، ۱۳۷۳: ص ۱۲۱).

استدلال مذکور با توجه به اینکه در ماده مذکور چنین آمده است که «مسترد شود یا به مصرف معینی برسد»، تقویت می‌شود؛ چراکه ظاهراً نظر مقنن این بوده است که استرداد یا به مصرف معین رسیدن، مورد تصریح امانت‌گذار قرار گیرد و تحقق این شرط در امانتی که منشأ آنها عرف و عادت و قانون بوده است، محل تردید است. اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری هم اقتضا دارد دامنه جرم مذکور توسعه داده نشود (ولیدی، ۱۳۷۳: ص ۱۲۱)؛ بنابراین در بعضی آرای شعب دیوان کشور، از این نظر تبعیت شده است و از توسعه دامنه جرم مذکور جلوگیری شده است که شعبه پنجم دیوان عالی کشور در رأی شماره ۱۴۵۱، مورخ ۱۳۱۷/۶/۳۰ گفته است: «تصرف در مال پیدا شده خیانت در امانت نیست؛ زیرا مالی به متهم سپرده نشده است».

## ۲-۴. جرم تصرف عدوانی

تصرف عدوانی افزون بر داشتن جنبه کیفری، دارای جنبه حقوقی هم می‌باشد و مقنن در قانون آیین دادرسی مدنی، موادی (مواد ۱۵۸ تا ۱۷۷ ق آ د م) را به آن اختصاص داده است که همین کار سبب به وجود آمدن اختلاف‌های زیادی در نظر حقوقدانان و بین محاکم دادگستری درباره عناصر شکل گرفته این جرم شده است؛ زیرا گروه زیادی از حقوقدانان با توجه به مبانی دعوای تصرف عدوانی حقوقی، در جرم تصرف عدوانی معتقدند فقط همان مبانی مورد نیاز است و اضافه کردن عنوان دیگری مانند مالکیت شاکی به آن اتفاقی است؛ در مقابل تعداد زیادی معتقدند که جرم تصرف عدوانی به دلایل مختلفی نمی‌تواند حتماً

همان عناصر دعوی تصرف عدوانی حقوقی را برخوردار باشد، بلکه در برابر آن تغییرات زیادی دارد (خالویی و علی‌نژاد، ۱۴۰۰: ص ۹۴).  
به نظر می‌رسد با توجه به نص ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی، احراز مالکیت شاکی، خارج از ارکان جرم تصرف عدوانی باشد.

#### ۱-۲-۴. عنصر قانونی جرم تصرف عدوانی

آنچه عنصر قانونی جرم تصرف عدوانی ساده را شکل می‌دهد، ماده ۶۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ است: «هر شخصی به طریق صحنه‌سازی نظیر پی‌کنی، تغییر حد فاصل، کرت‌بندی، دیوارکشی، نهرکشی، امحای مرز، غرس اشجار، حفر چاه و زارعت و امثال آنها به تهیه آثار تصرف در زمین‌های زراعتی اعم از کشت شده یا در آیش زراعی، کوهستان‌ها، جنگل‌ها و مراتع ملی شده، قلمستان‌ها، منابع آب، چشمه‌سارها، نهرهای طبیعی و پارک‌های ملی، تأسیسات کشاورزی و دامپروری و دامداری کشت و صنعت و اراضی موات و بایر و سایر اراضی و املاک متعلق به دولت یا شهرداری‌ها یا اوقاف یا شرکت‌های وابسته به دولت و همچنین اراضی و املاک و موقوفات و محبوسات و اثلاث باقیه که برای مصارف عام‌المنفعه اختصاص یافته یا اشخاص حقیقی یا حقوقی به منظور تصرف یا محق معرفی کردن خود یا دیگران اقدام کند یا بدون اجازه سازمان حفاظت محیط زیست یا مراجع دارای صلاحیت دیگر اقدام به عملیاتی نماید که سبب تخریب منابع طبیعی و محیط زیست گردد یا اقدام به هر نوع تصرف عدوانی و تجاوز یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در موارد را بیان نماید، به مجازات یک‌ماه تا یک‌سال حبس محکوم می‌شود. دادگاه موظف می‌باشد حسب مورد رفع مزاحمت یا رفع تصرف عدوانی، ممانعت از حق یا اعاده وضع به زمان سابق نماید».



## ۴-۲-۲. اوضاع و احوال و شرایط لازم برای شکل‌گیری جرم تصرف عدوانی

برای شکل‌گیری جرم تصرف عدوانی، شرایطی لازم است که در ادامه مهم‌ترین شرایط آن بررسی می‌شود.

### ۴-۲-۲-۱. غیرمنقول بودن مال

همه موارد گردآوری شده در ماده ۶۹۰ ق م ا، از نوع مال غیرمنقول به شمار می‌آید؛ از این رو موضوع جرم تصرف عدوانی نظیر تصرف عدوانی حقوقی مال غیرمنقول است. طبق ماده ۱۲ قانون مدنی «مالی که از مکانی به مکان دیگر نتوان انتقال داد، مال غیرمنقول است؛ اعم از اینکه ثبات آن ذاتی باشد یا به وسیله عمل انسان که انتقال آن موجب خرابی یا نقص مال یا محل آن شود». نبود بیان صریح به این دارایی‌ها در ماده ۶۹۰، تأیید دیگر بر اقامه دعواست که جرایم درج شده در ماده ۶۹۰ ق م ا، که یکی از موارد آن جرم تصرف عدوانی است، به مال غیرمنقول اختصاص دارد (خالوئی و علی‌نژاد، ۱۴۰۰: ص ۷۵). از آنجا که لقطه در خصوص اموال منقول مطرح است، تصرف در لقطه مشمول عنوان مجرمانه تصرف عدوانی قرار نمی‌گیرد.

### ۴-۳. غصب

غصب اموال در حقوق کیفری عنوان مجرمانه ندارد و امری حقوقی و موجب ضمان و مسئولیت مدنی است؛ اما در شرایطی قانون‌گذار غصب اموال را جرم‌انگاری نموده است (خالوئی و علی‌نژاد، ۱۴۰۰: ص ۸۳).

غصب اموال در ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ جرم‌انگاری شده است که عبارت است از همان ماده‌ای که تصرف عدوانی به موجب آن جرم‌انگاری شده و همان شرایطی را دارد که در جرم تصرف عدوانی بیان شد.

از تصریح قانون‌گذار به هرگونه تجاوز در ماده ۶۹۰ قانون تعزیرات می‌توان غصب را از مصادیق تجاوز دانست؛ اما به این دلیل که تمام مثال‌هایی که قانون‌گذار بدان تصریح کرد است، در جرم تصرف عدوانی غیرمنقول هستند (خالوئی و علی‌نژاد، ۱۴۰۰: ص ۹۴). بر اساس تفسیر مضیق و به نفع متهم باید به قدر متیقن قانون استناد کرد؛ بنابراین غصب در اموال غیرمنقول با وجود دیگر شرایط، جرم خواهد بود؛ از این رو تصرف در مال پیدا شده نیز مشمول غصب کیفری نمی‌شود.

#### ۴-۴. سرقت

ربودن مال دیگری تحت عنوان سرقت تعزیری در مواد ۶۵۱ تا ۶۶۷ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ جرم‌انگاری شده است. آنچه جرم سرقت را از دیگر جرم‌ها متمایز می‌کند، عنصر ربایش است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

#### ۴-۴-۱. ربایش

ربایش مال منقول شخصی از عوامل ویژه شکل‌دهنده جرم سرقت است. سند صحت این مطلب ماده ۲۶۷ به شرح قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این‌گونه است: «سرقت عبارت از ربودن مال متعلق به غیر» (حبیب‌زاده، ۱۳۸۹: ص ۴۶).

مهم‌ترین جزء از ارکان مادی جرم موضوع ماده ۶۶۵ قانون مجازات اسلامی را «عنصر ربایش» شکل می‌دهد. فهم این عنصر در جایگاه جزئی از رکن مادی در تعیین مصداق یا مصادیق و مهم‌تر از آن تعیین محدوده و قلمرو این جرم نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند (شجاع‌الدینی و علمی‌سولا، ۱۴۰۰: ص ۲۹۸).

برای تحقق ربایش صرف وضع ید کافی نیست، بلکه باید افزون بر آن، منتهی به ربودن مال هم بشود؛ یعنی تصرف و اثبات و وضع ید بر مال دیگری منجر به خروج مال از محوطه تصرفات مالک یا صاحب قانونی گردد (شجاع‌الدینی و علمی سولا، ۱۴۰۰: ص ۲۹۸).

#### ۱-۱-۴-۴. ربایش در لقطه

آیا برداشتن لقطه، سرقت به شمار می‌آید یا خیر؟ در این باره اختلاف وجود دارد؛ بعضی معتقدند شیء بلاصاحب آن است که ثابت شود شیء منقول مورد نظر، مالک معین و مشخص ندارد؛ بنابراین اگر بتوان بر آن مالکی هرچند به طور خیلی ضعیف فرض کرد، عمل رباینده سرقت به شمار می‌آید. همین‌طور اموالی که در اماکن عمومی یا وسایل نقلیهٔ رانندگان جا می‌ماند، تصرف یا تصاحب آن سرقت است (گلدوزیان، ۱۳۸۵: ص ۳۰۳). افزون بر اینکه سرقت، ربودن مال منقول متعلق به غیر است و در تحقق سرقت لازم نیست مال در تصرف مالک باشد، بلکه صرف تعلق آن به دیگری کفایت می‌کند و در تشخیص سرقت باید سارق را مدنظر قرار داد نه مالباخته را و دسترسی یا عدم دسترسی صاحب مال به مال خود نمی‌تواند تأثیری در اصل سرقت داشته باشد، بلکه همین اندازه که سارق بداند مال متعلق به دیگری است، برای تحقق جرم سرقت کفایت می‌کند. به عبارت دیگر باور دارند در صورت وجود مالک، این کار سرقت است؛ مثل اینکه فردی در مهمانی کیف پولی را پیدا کند و به قصد تصرف و تصاحب آن را برداشته باشد (پاد، ۱۳۸۲: ص ۷۰).

برخی باورمندند برداشتن مال کمتر از یک درهم سرقت نامیده نمی‌شود؛ اما اگر ارزش مالی بیشتر از یک درهم باشد و کسی بدون معرفی تملک نماید، این کار از انواع سرقت

تعزیری است. گروهی دیگر تفکیک قائل شده‌اند؛ بدین ترتیب که هرگاه گم شدن مال به معنای خارج شدن آن از تسلط مالک نباشد؛ مانند آنکه فردی کیف پول خود را در اتاق خود گم کرده باشد، دیگری آن را تصاحب کند، سرقت به شمار می‌آید؛ اما در صورتی که گم شدن مال به معنای خارج شدن آن از تسلط مالک باشد؛ مانند انگشتی که در خیابان گم می‌شود، یابنده با تصاحب آن نمی‌تواند سارق تلقی شود (رضوانی، ۱۳۸۶: ص ۱۲۵). این‌گونه به نظر می‌رسد باید در پیدایش جرم سرقت در این موارد مردد بود؛ زیرا برابر مواد ۱۶۲ و ۱۶۳ قانون مدنی، هر کسی مالی پیدا کند که قیمت آن کمتر از یک درهم باشد، می‌تواند آن را تصاحب کند و اگر بیشتر از یک درهم باشد، یابنده آن باید یک سال تعریف کند به نظر نگارندگان نظر صحیح، سرقت نبودن برداشتن مال لقطه است، گرچه ارزش آن بیشتر از یک درهم باشد؛ چراکه لازمه سرقت، ربودن است؛ یعنی سارق مال را از حیازت صاحب مال خارج کرده باشد و مال را در حیازت خود داخل کند؛ درحالی‌که مال پیدا شده عملاً در حیازت مالک نیست تا سرقت محقق گردد.

همان‌طور که رویه قضایی ما نیز آن را سرقت ندانسته است؛ در رأی شماره ۲۰۵ مورخ ۱۳۲۵/۱/۱۳ شعبه دوم دیوان عالی کشور بیان شده است: تصرف در مال لقطه منطبق با ماده ۲۲۷ قانون مجازات عمومی ناظر بر سرقت نیست. ثانیاً اصل براءت و تفسیر مضیق قوانین جزایی نیز ایجاب می‌کند که از شمول عمل مذکور به ماده ۶۶۵ خودداری گردد.

#### ۴-۵. جرم تحصیل مال از طریق نامشروع

جرم تحصیل مال از طریق نامشروع از جمله جرایم علیه اموال و مالکیت است. قانون‌گذار ماده‌ای را در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری در تاریخ ۲۸ شهریور ۱۳۶۶ پیش‌بینی و به تصویب رسانید که با ایراداتی که شورای نگهبان به

آن وارد کرد، در نهایت در ۱۳۶۷/۹/۱۵ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب نهایی رسید و لازم‌الاجرا شد. بنا بر آن، تحصیل مال از طریق نامشروع قابل تعقیب و مجازات می‌باشد. ماده ۲ قانون تشدید که عنصر قانونی بزه پیش‌گفته است، اشعار می‌دارد: «هر کس به نحوی از انحاء، امتیازاتی را که به اشخاص خاص به جهت داشتن شرایط مخصوص تفویض می‌گردد، نظیر جواز صادرات و واردات و آنچه عرفاً موافقت اصولی گفته می‌شود، در معرض خرید و فروش قرار دهد یا از آن سوءاستفاده نماید یا در توزیع کالاهایی که مقرر بوده طبق ضوابطی توزیع نماید، مرتکب تقلب شود یا به طور کلی مالی یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است، مجرم محسوب و علاوه بر رد اصل مال، به مجازات سه ماه تا دو سال حبس یا جریمه نقدی معادل دو برابر مال به دست آمده، محکوم خواهد شد».

#### ۱-۵-۴. تفسیر صدر و ذیل ماده جرم تحصیل مال از طریق نامشروع

در قانون مجازات اسلامی مواردی از این گروه مشاهده می‌شود؛ به طوری که وکلا، قضات و دیگر مردم استنباط‌های مختلفی از مواد قانونی دارند و گاهی این‌گونه مواد مورد سوءاستفاده قرار گرفته می‌شود؛ از جمله ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری است. جرمی را این ماده پیش‌بینی کرده است که ظاهراً محدوده و وسعت آن مشخص نیست؛ حتی می‌تواند به موارد حقوقی هم راه پیدا کند. ماده بیان شده مقرر می‌دارد: «هر شخصی ... یا به طور کلی وجهی یا مالی را تحصیل کند که راه تحصیل آن دارای مشروعیت قانونی نباشد، جرم نامیده می‌شود...».

همان‌طور که ملاحظه شد، هدف قانون‌گذار از عبارت بالا مشخص نیست و می‌تواند دربرگیرنده مواردی شود که فردی از طریق که مشروعیت قانونی ندارد، مانند اختلاس،

سرقت، کلاهبرداری و جرایم مشابه، مالی را صاحب شده باشد یا به امور حقوقی که جرم محسوب نمی‌شود، هم تسری پیدا کند. ابهامی که موجب لغزش تفسیر شده است، قسمت دوم ماده است که قانون‌گذار با بیان عبارت «... به طور کلی مال یا وجهی تحصیل کند که طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است...»، بدان دامن زده است؛ به این معنا که آیا قانون‌گذار جرم‌انگاری را فقط به تحصیل هر نوع وجه یا مالی اختصاص داده است که با امتیازات بیان شده در صدر ماده مرتبط باشد یا به موارد دیگر هم تسری می‌یابد؟ (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۵: ص ۱۴۷). برای پاسخ به این پرسش باید شرایط لازم برای تحقق جرم مذکور به دقت بررسی شود که مهم‌ترین آن، شرط وسیله در ارتکاب جرم است که در ادامه بحث به آن پرداخته خواهد شد.

#### ۱-۱-۵-۴. وسیله

عموماً در تحقق جرم، «وسیله» تأثیری ندارد (حبیب‌زاده، ۱۳۹۷: ص ۱۲۰)؛ ولی ممکن است در بعضی جرایم، وسیله ضرورت داشته باشد یا از عوامل تشدیدکننده مجازات باشد؛ برای مثال در تحقق جرایم، ضرب سکه قلب، جعل و تزویر، جرایم مطبوعاتی و افترا به وسیله اوراق چاپی و وجود وسیله خاصی ضرورت دارد (حبیب‌زاده، ۱۳۸۲: ص ۶۵). به نظر می‌رسد قانون‌گذار در تحقق جرم تحصیل مال از طریق نامشروع با توجه به عبارت ذیل ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشا و کلاهبرداری (طریق تحصیل آن فاقد مشروعیت قانونی بوده است) وجود وسیله را مؤثر دانسته است (دهقانیان، ۱۳۹۶: ص ۶۰). همین امر موجب اختلاف بین حقوقدانان شده است و دیدگاه‌های مختلفی در این باره ارائه داده‌اند که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

#### ۱-۱-۱-۵-۴. مخالفان تفسیر موسع

به نظر می‌رسد قانون‌گذار با توجه به عنوان قانون و مفاد آن خواسته است هر شخصی را که مالی به دست آورده است، اما قانون طریق به دست آمدن مال را طبق قواعد شرعی نمی‌داند، مجازات کند؛ اما اعمال این رویه، دارای مشکلات بزرگی است از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. برای اثبات نسبت نامشروع بودن تحصیل مال به فقه باید رجوع کرد و با توجه به اختلاف دیدگاه فقیهان در فقه نمی‌توان درباره بسیاری از احکام وضعی (از جمله آنها مشروع یا نامشروع بودن کسب مال) در مواردی خاص حکم واحدی پیدا کرد و قاضی محکمه جزایی باید ابتدا به امور حقوقی تشخیص مشروع یا نامشروع بودن کسب مال رسیدگی کند و درباره آن اظهار نظر کند. هر کدام از قاضیان ممکن است با مراجعه به منبع یا فتوای خاص حکمی صادر کنند که متفاوت از دیگر قاضیان باشد و این امر باعث تشتت آرا و ایجاد بی‌نظمی در دستگاه قضایی خواهد شد.

۲. اگر قرار بر این باشد هر شخصی که مالی را به دست می‌آورد که طریق تحصیل آن نامشروع باشد را مجازات کنیم؛ یعنی هر شخص حرام‌خواری را پای میز محاکمه دادگاه کیفری بکشانیم، باید افراد زیادی را مجازات کنیم و این همان امری است که با اصل عدم جرم‌انگاری اعمال مغایرت دارد؛ یعنی قانون‌گذار تا حد امکان باید اعمالی را جرم بداند که از نظر افراد جامعه بسیار زشت باشد و برای سلامت و حیات افراد جامعه ضرر داشته باشد (حبیب‌زاده و زینالی، ۱۳۸۴: ص ۸).

۳. بیان عنوان مجرمانه کلی و اطلاق در جرم‌انگاری تنها در زمان‌های خاصی از تاریخ و به واسطه حکومت‌های استبداد طلب صورت گرفته است تا این تفسیر موسع و عنوان

کلی از آن دست پیچی باشد تا قضاوت از اختیارات گسترده خود به منظور حفظ آرامش ظاهری و کوشش برای دوام حکومت اقدام کنند (دهقانیان، ۱۳۹۶: ص ۲۶).

#### ۲-۱-۵-۴. موافقان تفسیر موسع

باید افزود قانون‌گذار در صدر ماده خرید و فروش امتیازات یا هر نوع سوء استفاده از آنها را جرم‌انگاری کرده است که لازم به قید بخش دوم نبوده است؛ پس ارتباط داشتن این قسمت با امتیازات ذکر شده در ماده، خلاف مقصود مقنن بوده و استنباطی غیر صحیح است و قبول خلاف این استدلال باعث به وجود آمدن محدودیت‌ها و خلأهای جدی در مقابله با متخلفان مالی و اقتصادی می‌شود که در قسمت تعریف مضیق جرایم خاص مصرح در قانون قرار نمی‌گیرند (شاکری و البوعلی، ۱۳۹۶: ص ۱۰۵).

مخالفان تفسیر موسع جرم مذکور، در استدلال خود به مشکلاتی تمسک جستند که با قبول کردن تفسیر موسع به وجود می‌آید که در پاسخ به استدلال آنها این‌گونه اشکال می‌شود:

۱. برای اظهار نظر درباره نامشروع بودن تحصیل مال احتیاج نیست به فقه رجوع کنیم؛ زیرا قانون مواردی را در ماده مهم می‌داند که مشروعیت قانونی نداشته باشد؛ یعنی نامشروع بودن آن در قانون بیان شده باشد، نه فقط نامشروع بودن شرعی؛ همانند تصاحب لقطه همراه با سوء نیت در فقه جایز نمی‌باشد و مقنن هم در قانون مدنی به آن اشاره کرده است: «زمانی یا بنده مال حق تصاحب و تملک مال را دارد که آن را تعریف کرده باشد»؛ پس هدف از ماده ۲ قانون، تشدید مواردی است که در قانون ذکر شده است و اصل را قانون قرار داده است و همین کار مانع تشدد آرا می‌شود (آهنگران و حیدری، ۱۴۰۱: ص ۱۸۱).



۲. مشروع نبودن لوازم تحصیل مال دارای حد و مرزی است که مقنن صریح بیان کرده است، نه شرع؛ بنابراین اشکال تنافی با اصل عدم جرم‌انگاری وارد نیست (آهنگران و حیدری، ۱۴۰۱: ص ۱۸۱).

۳. جرم‌انگاری اگر به گونه‌ای باشد که شامل رفتارهای زیادی شود، اما محدوده آن مشخص باشد و جامعه این جرم‌انگاری را به منظور حفظ منافع افراد و جامعه ضروری بداند، اشکالی ندارد؛ برای مثال در جرم تحصیل مال نامشروع، مقنن جرم را دارای محدودیت دانسته است که به طریقی نامشروع مال غیر را تحصیل و تصاحب کرده که با مضامین مجرمانه تطابق ندارد و این طریق نامشروع بودن باید در قانون قید شده باشد (آهنگران و حیدری، ۱۴۰۱: ص ۱۸۲).

با دقت در توضیحات فوق این‌گونه به نظر می‌رسد که دلیل مجرمانه بودن ماده، به صدر ماده اختصاص ندارد؛ بنابراین مشمول شیوه نامشروع قانونی تحصیل مال هم می‌شود.

با توجه به مطالب بیان شده، نتیجه می‌گیریم ذیل ماده ۲ قانون، تشدید با صدر ماده مرتبط نیست و دو نوع جرم‌انگاری متفاوت رخ داده است و با توجه به ماده، تحصیل مال از راه نامشروع دارای امور حقوقی هم می‌شود و شامل مواردی از حقوق کیفری می‌شود که جرم‌انگاری خاص صورت نگرفته باشد. با توجه به اینکه برداشتن مال پیدا شده به قصد تملک در فقه مشروعیت ندارد و همچنین در قانون مدنی ذکر شده است یا بنده مال اگر بداند این مال از آن دیگری است و آن را به قصد تملک بردارد و پنهان کند، از نظر فقه امامیه و قانون مدنی چنین تملکی شرعی نیست؛ پس اگر مالی از این طریق تحصیل شود، جرم تحصیل مال نامشروع رخ داده است.

## نتیجه

نتایج این پژوهش به این شرح است که در حقوق کیفری ایران، تصرف در لقطه از مصادیق جرم خیانت در امانت نیست؛ زیرا از شرایط تحقق جرم مذکور، با توجه به اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و رأی دیوان عالی کشور، وجود رابطه امانی قراردادی بین طرفین است؛ بنابراین رابطه امانی قانونی که در مورد لقطه صدق می‌کند را در بر نمی‌گیرد. تصرف در لقطه رانمی‌توان سرقت دانست؛ بدین سبب که عنصر ربایش که رکن اساسی جرم سرقت است در مورد لقطه صادق نیست و با توجه به اینکه موضوع جرایم تصرف عدوانی و غضب مجرمانه، اموال غیرمنقول هستند و لقطه از اموال منقول به شمار می‌رود، شمول این جرایم نیز در خصوص لقطه منتفی است. اما در خصوص جرم تحصیل مال از طریق نامشروع، با وجود اختلاف‌هایی که در تفسیر ماده جرم مذکور وجود دارد، به نظر نگارندگان اگر نیت از برداشتن لقطه، تحصیل و تصاحب آن باشد (وجود سوء نیت) یا به نیت حفظ و امانت باشد؛ اما قبل از انقضای مدت یک سال در آن تصرف نماید، می‌توان چنین تحصیل و تصرفی را از مصادیق ماده ۲ قانون تشدید مجازات مرتکبین کلاهبرداری، اختلاس و ارتشاد دانست.

با توجه به قوانین ذکر شده، مذاهب چهارگانه اهل سنت دربارهٔ احوالات شخصیه و تربیت و مراسمات دینی تابع فقه خود هستند؛ بنابراین ملزم به تبعیت از قوانین مصوب در رابطه با احوالات شخصیه مانند طلاق، نکاح، وصیت و مسائل فرزندخواندگی، در قانون مدنی و دیگر قوانین نخواهند بود. اما در دیگر قوانین و مقررات مدنی و کیفری با توجه به مفهوم مخالف از اصل ۱۲ قانون اساسی و ماده واحده قانون اجازه رعایت احوال شخصیه ایرانیان غیرشیعه در محاکم و منطوق ماده ۵ قانون مدنی و مواد ۳ و ۷ و ۸ قانون مجازات اسلامی، کلیه سکنهٔ ایران اعم از اتباع داخلی و خارجی، اعم از هر دین و مذهبی یا هر ایرانی مقیم در ایران یا خارج از کشور، ملزم هستند از قوانین ایران تبعیت

نمایند و محاکم ایران در خصوص رسیدگی به دعاوی و جرایم ارتكابی آنها صالح خواهد بود؛ از این رو با وجود اختلاف‌های فقهی موجود در خصوص احکام لقطه بین مذاهب پنج‌گانه، تبعیت از قوانین مربوطه به لقطه که مستنبط از فقه امامیه است، برای دیگر پیروان مذاهب اهل سنت نیز لازم‌الاجرا خواهد بود. بنابراین اگر فردی از اهل تسنن تصرفی در لقطه نماید که بر اساس فقه متبوع، مشروع است؛ اما از لحاظ قانونی تصرف نامشروع محسوب می‌شود، مسئولیت مدنی و کیفری خواهد داشت.

### پی‌نوشت‌ها

۱. تصرف در مال یا به صورت مادی است یا به صورت حقوقی (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۱۸۷). مادی به این ترتیب که متصرف تغییراتی در مال ایجاد کند یا آن را تلف و تخریب و استفاده شخصی نماید. تصرف حقوقی بعد از استیلا و برداشتن مال، بدین طریق است که مال را بفروشد یا اجاره دهد یا عاریه، قرض، ودیعه و رهن بدهد یا هبه کند.
  ۲. در قدیم تقریباً قیمت هر ده درهم مساوی با یک دینار بود و هر دیناری مساوی با یک مثقال شرعی، یعنی ۱۸ نخود طلا بود که در نتیجه قیمت هر درهم برابر با  $\frac{1}{10}$  دینار یا  $\frac{1}{8}$  نخود طلا بوده است (مدرسی، ۱۳۹۳: ۴۹۷). ماده ۱۶۲ قانون مدنی (اصلاحی ۱۳۷۰)، قیمت یک درهم را برابر با وزن  $\frac{12}{6}$  نخود نقره دانسته است.
  ۳. فقیهان در مقام بیان احکام لقطه از واژه «تعریف» برای اعلام و معرفی مال گم‌شده، در کتاب‌های فقهی استفاده کرده‌اند. تعریف در لغت‌نامه‌ها به معنای معرفی کردن و شناساندن و اعلام آمده است؛ بنابراین واژه تعریف در کتاب‌های فقیهان مترادف با کلمه اعلام و معرفی کردن است (جوهری، ۱۴۲۸: ج ۴، ص ۱۴۴۰).
- پس از برداشتن مال گم‌شده توسط یابنده، با توجه به ارزش و محل یافتن مال تکلیفی از لحاظ شرعی و قانونی برعهده بردارنده مال مستقر می‌گردد؛ از این حیث که باید با معرفی مال، در پی پیدا کردن صاحب آن برآید (مدرسی، ۱۳۹۳: ص ۵۲۰).

## کتاب‌نامه

- ابن داوود، سلیمان بن الأشعث [بی تا]؛ سنن ابن داوود؛ ج ۲، بیروت: دار الفکر.
- ابن قدامه، عبدالرحمن [بی تا]؛ المغنی؛ ج پنجم، بیروت: دارالکتاب العرب.
- البهوتی الحنبلی، شیخ منصور بن یونس (۱۹۹۷ م)؛ کشاف القناع؛ ج ۲، بیروت: منشورات محمدعلی بیضون دارالکتاب العلمیه.
- آهنگران، محمدرسول و میلاد حیدری (۱۴۰۱ ش)؛ احکام و مقررات مال پیدا شده از منظر فقه امامیه و حقوق کیفری ایران؛ تهران: سهامی انتشار.
- پاد، ابراهیم (۱۳۸۲ ش)؛ حقوق جزای اختصاصی؛ تهران: رهام.
- جمعی از محققین (۱۳۹۲ ش)؛ موسوعه شهید اول؛ ج ۱۳، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حائری، سیدکاظم (۱۳۸۷ ش)؛ «لقطه و مجهول المالک (۱)»؛ نشریه فقه اهل بیت، ش ۵۶.
- حبیب‌زاده، جعفر و امیرحمزه زینالی (۱۳۸۴ ش)؛ «درآمدی بر برخی محدودیت‌های عملی جرم‌انگاری»؛ نشریه نامه مفید، دوره ۱۱، ش ۴۹.
- حبیب‌زاده، محمدرجعفر (۱۳۹۷ ش)؛ تحلیل جرایم کلاهبرداری و خیانت در امانت در حقوق کیفری ایران؛ چ ششم، تهران: دادگستر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۲ ش)؛ حقوق جزای اختصاصی؛ تهران: سمت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۹ ش)؛ سرقت در حقوق کیفری ایران؛ تهران: دادگستر.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۲۱ ق)؛ وسائل الشیعة؛ ج ۱۷، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ ق)؛ تذکرة الفقهاء؛ ج ۸، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- خالوئی تفتی، سیدسجاد و آذر علی‌نژاد (۱۴۰۰ ش)؛ «آثار حقوقی و کیفری دعوای رفع تصرف عدوانی»؛ مجله فقه، حقوق و علوم جزا، ش ۲۱.
- خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰ ش)؛ منهاج الصالحین؛ ج ۲، قم: مدینه العلم.
- الدسوقی، شمس‌الدین شیخ محمد [بی تا]؛ حاشیه دسوقی علی الشرح الکبیر؛ ج ۳ و ۴، [بی جا]: دار الحکماء الکتب عربی.

- دهقانیان، هاشم (۱۳۹۶ ش)؛ «بررسی فقهی حقوقی جرم تحصیل مال از طریق نامشروع»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق گرایش جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند.
- رضوانی، نعمت (۱۳۸۶ ش)؛ «بحثی پیرامون ماده ۶۵ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده ۱۳۷۵ (ربایش‌هایی که مشمول عنوان سرقت نیستند)»؛ نشریه کانون وکلا، ش ۱۹۸.
- رملی، شمس‌الدین محمد بن ابن العباس (۱۹۸۴ م)؛ نه‌ایة المحتاج الی شرح المنهاج؛ بیروت: دارالفکر.
- زارعی سبزواری، عباسعلی (۱۳۷۵ ش)؛ القواعد الفقهية فی فقه الامامیه؛ ج ۶، قم: اسلامی.
- سبزواری، علی مؤمن قمی (۱۴۲۱ ق)؛ جامع الخلاف والوفاق؛ قم: زمینه‌سازان ظهور امام عصر (ع).
- سرخسی، شمس‌الدین [بی‌تا]؛ المبسوط؛ ج ۱۱؛ بیروت: دارالمعرفه.
- الشافعی، ابی عبدالله بن محمد بن ادیس (۱۴۰۰ ق)؛ الام؛ ج ۴، بیروت: دارالفکر.
- شاکری، ابوالحسن و امیر البوعلی (۱۳۹۶ ش)؛ «تحلیلی نوین از جرم تحصیل مال نامشروع در حقوق ایران»؛ فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۳، ش ۴۷.
- شامبیاتی، هوشنگ (۱۳۸۴ ش)؛ حقوق کیفری اختصاصی؛ ج ۲، تهران: مجد.
- شجاع‌الدینی مهنی، مهدی و محمدرضا علمی سولا (۱۴۰۰ ش)؛ «تحلیل و نقد مبانی فقهی ماده ۲۷۴ قانون مجازات اسلامی مصوّب ۱۳۹۲»؛ مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، دوره هفتم، ش ۴.
- صمیری، مفلح (۱۳۹۸ ش)؛ غایة المرام؛ ج ۴، قم: بوستان کتاب.
- طاهری، حبیب‌الله (۱۴۱۸ ش)؛ حقوق مدنی؛ ج ۱، چ دوم، قم: اسلامی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۸ ش)؛ الخلاف؛ ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- قرطبی، محمد بن احمد (۱۹۶۴ م)؛ تفسیر القرطبی؛ ج ۲، قاهره: دارالکتب المصریه.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸ ش)؛ حقوق مدنی (اموال و مالکیت)؛ تهران: میزان.
- کاسانی الحنفی، علاء‌الدین ابی بکر بن مسعود (۱۴۰۹ ق)؛ بدائع الصنائع؛ ج ۶، پاکستان: مکتبه الحبیبیه.
- گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۵ ش)؛ جرایم علیه اموال و مالکیت؛ چ ۱۲، تهران: دانشگاه تهران.
- نوری، محیی‌الدین [بی‌تا]؛ روضه الطالبین؛ ج ۴، بیروت: دارالکتب علمیه.

مدرسی، محمدرضا (۱۳۹۳ ش)؛ مقالات فقهی (معونة الظالمین، الولاية من قبل الجائر و جوائز السلطان)؛ قم: دارالتفسیر.

مرداوی، ابی‌الحسن علی بن سلیمان (۱۴۱۸ ق)؛ الانصاف فی معرفة الراجح من الخلاف؛ بیروت: دار الکتب العلمیه.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۹۹ ش)؛ تحریر الوسیله؛ قم: دارالعلم.

میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۵ ش)؛ جرایم علیه اموال و مالکیت؛ چ ۴۹، تهران: میزان.

نجفی، محمدحسن (۱۴۲۱ ش)؛ جواهر الکلام؛ ج ۳۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

ولیدی، محمدصالح (۱۳۷۳ ش)؛ حقوق جزای اختصاصی؛ ج ۲، چ ۳، تهران: امیرکبیر.

یزدی، محمدکاظم (۱۳۷۶ ش)؛ سؤال و جواب؛ ج ۲، تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.